آیا امر به معروف و نهی از منکر، تعرض به حقوق شهروندی دیگران است؟

به بهانه روز اول محرم‌الحرام؛ روز جامعه بدون منکر

کامبیز قهرمانی

مطابق با روال سال‌های گذشته، امسال نیز هفته اول ماه محرم‌الحرام، ۲۳ تا ۲۹ مهرماه، به عنوان هفته احیاء امر به معروف و نهی از منکر نامگذاری شده است.

اهمیت و توسعه امر به معروف و نهی از منکر در منطق اسلام تا آن اندازه است که امام باقر(ع) می‌فرماید: به وسیله این اصل، سایر دستورها زنده می‌شود، راه‌ها امن می‌گردد، کسب‌ها حلال می‌شود، مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می‌شود، زمین آباد می‌گردد، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها به سامان می‌گردد. (فروع کافی، جلد پنجم، صفه ۵۶) و باز در اهمیت این اصل همین بس که حضرت سیدالشهدا(ع) فلسفه قیام خود را اصلاح امت پیامبر اعظم(ص) و برپایی امر به معروف و نهی از منکر عنوان فرمودند.

در این یادداشت بر آن نیستیم که در باب اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر سخن بگوییم که در این زمینه چه بسیار سخن‌ها گفته و مقاله‌ها نوشته شده است.

در دنیای مدرن امروز و فرهنگ مدرنیته ناشی از آن و بسط و تبلیغ شاخص‌ها و اصول مکاتب مختلف بشری و در کنار آن گسترش قابل توجه فضای سایبری و تولد هر از چند وقت یکبار شبکه‌های اجتماعی جدید، شاهد درنوردیدن مرزهای فکری و ایدئولوژیکی ملت‌ها و زایش سؤالات و شبهات نوظهور هستیم.

ایران امروز ما نیز از سیطره چنین فضای فکری و آتمسفر فرهنگی مستثنی نیست و شبکه‌های اجتماعی، از وایبر و واتس‌آپ و لاین گرفته تا تلگرام و اینستگرام و ...، طیف وسیعی از مخاطبان به ویژه جوانان ما را تحت تأثیر قرار داده است.

صرفنظر از مزایای استفاده از اینگونه شبکه‌ها، آنچه به عنوان آسیب بیش از همه رخ می‌نماید، طرح شبهات اعتقادی، فکری و فرهنگی است که با ظرافت و شیطنت خاصی تولید و متأسفانه در سایه جهل و غفلت برخی از کاربران و اعضای گروه‌های مختلف نشر و تکثیر می‌شود. یکی از شایع‌ترین شبهاتی که این روزها در فضای سایبری طرح می‌شود آن است که چگونه اسلام تجسس در احوال شخصی دیگران را مذموم و دخالت در کار مردم را مطرود می‌داند و در عین حال بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه تأکید دارد؟ یا اینکه امر به معروف و نهی از منکر چیزی جز تعرض به حقوق شهروندی دیگران نیست و ...

نکته مهمی که در پاسخ به شبهات یاد شده باید به عنوان مقدمه ذکر شود آن است که جعل اطلاعات وارداتی بدون تعیین حدود و ثغور آنها، آسیب‌ها و لطمات جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. مفاهیمی چون آزادی، فردگرایی، حق، حقوق، شهروند، حقوق شهروندی، دموکراسی و ... که ره‌آورد تفکر لیبرالیستی غرب است، آنگاه که بدون ملاحظه و بی‌پروا در ادبیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ما به کار رفته و رایج می‌شود، اثرات نامطلوب و تبعات منفی خاص خود را خواهد داشت.

هر چند ما در فرهنگ اسلامی و ایرانی خود با این مفاهیم و اصطلاحات بیگانه نیستیم، اما باید توجه داشته باشیم که منظور و مقصود ما از این مفاهیم یا آنچه در فرهنگ غرب مطرح می‌شود، آنقدر متفاوت است که به قول سید شهیدان اهل قلم، شهید سید مرتضی آوینی، ما با غرب تنها در لفظ اشتراک داریم نه در معنا.

به راستی آیا اصطلاح «حقوق شهروندی» در ادبیات سیاسی کارگزاران و قانون‌گذاران ما با آنچه در فرهنگ لیبرالیستی از این واژه مراد می‌شود، یکی است؟ بدون شک آنان در کشور جمهوری اسلامی، چنین مرزبندی واضحی را از نظر دور نداشته‌اند؛ هر چند سزاوار بود مفهوم و معنای اصطلاح حقوق شهروندی در بیان و موضع مجریان امر، مطابق با فرهنگ غنی اسلام و به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، به صورت شفاف و مبرهن تبیین می‌شد.

اما در پاسخ به شبهه مذکور باید گفت که اسلام ضمن احترام به فردیت انسان‌ها و اهتمام بر هدایت یکایک افراد جامعه به سمت کمال فردی و رستگاری دنیوی و اخروی، بر تعالی اجتماع و سالم‌سازی محیط زندگی اجتماعی تأکید ویژه دارد. تحقق جامعه متعالی جز در سایه مسئولیت‌پذیری تک‌تک مسلمانان و پرهیز از روحیه بی‌تفاوتی ممکن نیست. اساساً مگر امکان دارد یک فرد مسلمان در جامعه مملو از معصیت و انحراف و در فضای متعفن از مظاهر فسق و فجور و بی‌عدالتی، مسیر فلاح را بپیماید؟ مگر نه اینکه در روایات، جامعه اسلامی به مثابه یک کشتی تشبیه شده است که اگر یکی از کشتی‌نشینان بدون توجه به دیگران، جای خود را به بهانه مالکیت همان محدوده نشیمن سوراخ کند و دیگران لب به اعتراض نگشایند، سرنوشت همه غرق شدن می‌باشد؟ مگر نه اینکه پیامبر اعظم(ص) فرمود: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته؟» و مگر نه اینکه نتیجه نهایی بی‌تفاوتی در جامعه اسلامی، استیلای اشرار بر ابرار و اراذل بر افاضل و عدم استجابت دعاها، ذکر شده است؟

اسلام از جامعه اسلامی به عنوان «امت» یاد می‌کند و مؤمنان را برادر و آیینه یکدیگر معرفی نموده است و صد البته از تجسس در احوال خصوصی دیگران به شدت نهی کرده است. به بیان استاد شهید مرتضی مطهری، ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تهاجر می‌شود حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نداریم. (کتاب ده گفتار، صفحه۸۰).

بنابراین برخلاف تفسیر غرب از مفهوم «شهروند» که بر فردیت انسان‌ها مبتنی بر تفکر لیبرالیسم تأکید دارد، اسلام مفهوم «امت» را که به پیوستگی آحاد مسلمانان و وحدت و تمسک آنها به حبل الهی اشاره دارد، تبلیغ می‌نماید. لازمه چنین اهداف بلندی، حساسیت همه مسلمانان نسبت به سرنوشت یکدیگر و مشارکت در خلق یک جامعه متعالی است و این مهم جز در سایه احیای اصل مترقی امر به معروف و نهی از منکر حاصل نخواهد شد.

تلاش ما در ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر آن است که مطابق با منویات مقام معظم رهبری، نسبت به فرهنگ‌سازی تذکر لسانی در سطح جامعه اقدام نماییم تا مردم این آگاهی و روحیه را پیدا کنند که همانطور که نماز را واجب می‌دانند، باید امر به معروف و نهی از منکر را نیز واجب بدانند و نسبت به آن بی‌تفاوت نباشند. نام‌گذاری هفته اول ماه محرم حسینی به نام هفته احیاء امر به معروف و نهی از منکر و روز اول این هفته به عنوان روز جامعه بدون منکر، هر چند اقدامی شایسته و بجاست، اما رافع مسئولیت اجتماعی آحاد مردم در سایر اوقات سال نمی‌باشد. طراوت و تعالی اجتماعی منوط به توجه دائم مردم به این فریضتین فراموش شده می‌باشد و بی‌شک نقش مسئولان و نخبگان اجرایی و فکری در این زمینه سنگین‌تر از همه خواهد بود.

طرح: عصرمردم

جدول شماره ۹۴/۷۳۲

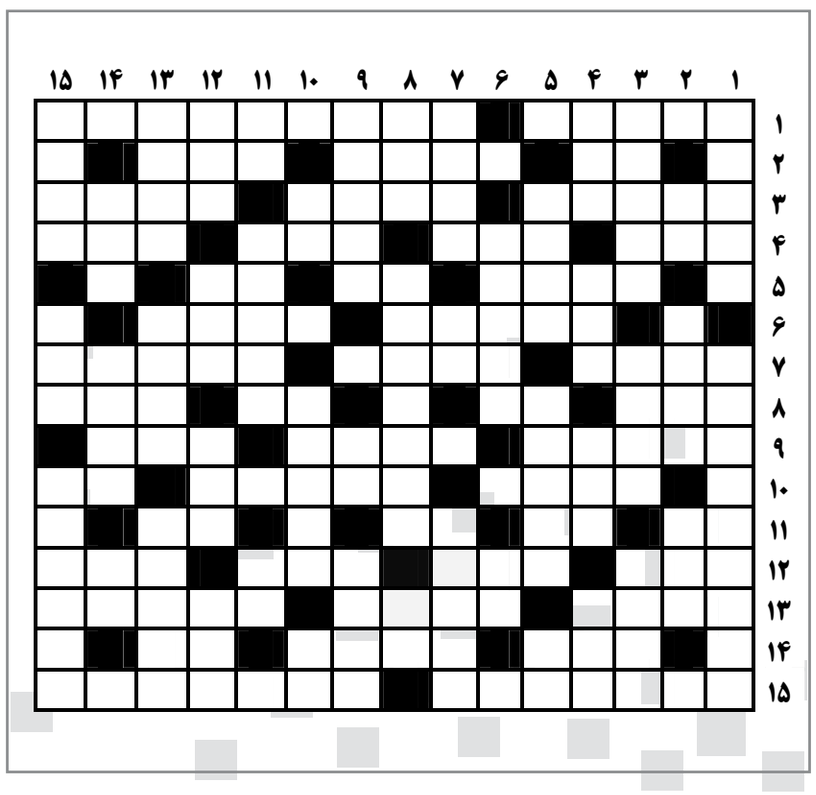

افقی:

۱-رک‌گویی- نویسنده کاپیتال
۲-رودی اروپایی- پاییز- آب دهان
۳-برتری- آب خارجی- جداکننده
٤-مخفف تو را- در رگ‌ها جریان دارد- پرمصرف‌ترین فلز- تنها
۵-روبروی صفا- راز- تکرار آن نام بادی است
٦-دشمنی- از توابع کردستان
۷-نصب کننده- شرکت ضامن پرداخت خسارت- نام یکی از نیروگاه‌های کشور
۸-فرخندگی- بدون- اثری پیرامون جنگ تحمیلی- سر
۹-مظهر کمیابی- غلام- برادرزاده پیاز
۱۰-از سوره‌های قرآنی- لحظه به لحظه- دست
۱۱-رنگ بی‌پایان- از توابع تهران- صحنه- پروردگار
۱۲-آب چشم- پیمانه- چشم- ذکر
۱۳-حالت هجومی و دفاعی در ورزش‌های رزمی- تب شیری- از توابع فارس
۱٤-اسب و شیر دارند- روشن خارجی- سطح
۱۵-آخرین شاه قاجار- مزارآباد

عمودی:

۱-رنگ چهره- از کشورهای آمریکای جنوبی

جواب جدول شماره ۹۴/۷۳۱

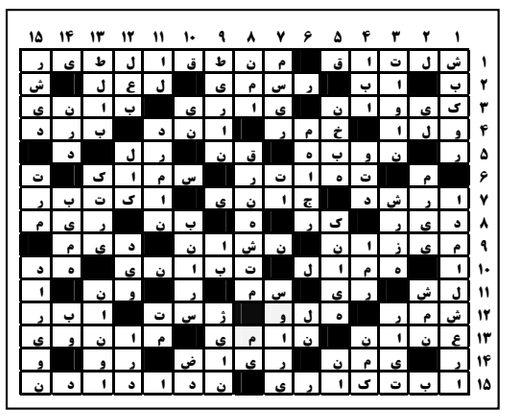

۲-دعوا- ناپختگی- کاشت برنج
۳-جمع رحم- ای صنم- بزرگوار و بخشنده
٤-همنشین کنار- وحشت- آسانی- عدل
۵-از حبوبات- کم عرض- نیمه‌ی اول لشکر
٦-دشمن اهل بیت- دریا
۷-واحد پول دانمارک- او- نژاد
۸-از ادات پرسش- ظلم نمودن- پاسخ منفی عرب
۹-عمل- نفس- بسیار قدیمی
۱۰-راه کوتاه شده- روستایی- حرارت بالای بدن
۱۱-مرکز مغز- به مسیحیان می‌گویند- رشد و نمو
۱۲-همسر حوا- مرارت- افسانه- از رودهای مرزی
۱۳-نوعی کلم- مرض سگی- مرکز لبنان
۱٤-اول- کمک- عدد فوتبالی
۱۵-یک پای سفره هفت‌سین- همچنین- نظامی مراقبت کننده

سودوکو

جدول شماره ۹۴/۲۰۶

			8	4		2		3
1		9		3	6		4	
		8	9					
				9		4	6	1
	4	5	6		8	3	2	
7	6	1		2				
					4	9		
	5		2	7		6		8
6		2		8	5			

جواب جدول شماره ۹۴/۲۰۵

7	1	6	3	8	2	4	5	9
3	4	2	9	1	5	6	7	8
9	5	8	6	7	4	1	3	2
8	9	7	2	6	1	3	4	5
2	6	4	7	5	3	8	9	1
1	3	5	8	4	9	7	2	6
5	7	3	1	9	6	2	8	4
4	2	1	5	3	8	9	6	7
6	8	9	4	2	7	5	1	3

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود.

اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

آشنایی با قرآن

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره انفطار

در موارد دیگری برای عمل بد، تعبیر «وزر» به کار رفته (وزر یعنی بار سنگین) که این هم تعبیر عجیبی است. واقعاً گناه روح انسان را سنگین می‌کند و مثل این است که بار سنگینی روی دوش او بگذارند، برخلاف اطاعت که مثل این است که باری را از روی دوش انسان بردارند و بلکه ویتامینی به انسان بدهند که او را سبکبار و سبکبال کند.

و در موارد دیگری تعبیر «فجور» به کار رفته است. (فجور یعنی منفجر شدن و منخرق شدن.) قرآن از گناهان تعبیر به «فجور» می‌کند. کأنه وقتی انسان گناه می‌کند یک حالت انفجار و پارگی و از هم دریدگی پیدا کرده است.

من این تعبیر را خیلی سابق در حرف‌های امروزی‌ها دیده‌ام. در بعضی کتاب‌های روان‌شناسی خواندم که نوشته بود:

کار بد معمولاً برای انسان انفجار است. اگر انسان خودش را چنان تربیت کند که انرژی‌اش صرف کار خوب شود و فکرش و عملش متوجه کار خوب شود، خود این، مانع گناه می‌شود، ولی اگر انسان راه نیکی را به روی خودش ببندد و فکرش و عملش را متوجه خیر نکن، کأنه انرژی‌اش ذخیره می‌شود و بعد به صورت گناه منفجر می‌شود.

این است که می‌گویند کار خوب و مشروع بهترین مربی انسان است و اگر کسی می‌خواهد فکر بد در مغزش پیدا نشود باید برای مغز و روح خودش خوراک فکری خوب تهیه کند.

مغز باید کار کند، قوه تخیل باید دائماً کار کند، وقتی مسیر خوب برایشان قرار ندهیم در راه کج می‌افتند و این همان انفجار است. دست انسان باید کار کند، پای انسان باید کار کند، بدن انسان باید کار کند، وقتی که اینها بیکار گذاشته شوند انرژی‌ها جمع می‌شوند و بعد انفجار پیدا می‌شود.

راه عملی تخلص در گناه

سال‌ها پیش در یک سخنرانی همین مطلب را راجع به گناهان گفتم. در آنجا مطلب را به این شکل مطرح کردم که برای مبارزه با گناه باید راه عملی تخلص از گناه را پیدا کرد. مثال زدم به اینکه معمولاً می‌گویند جنس زن اهل غیبت است.

حال آیا واقعاً این طور است؟ یا نه، گاهی وضع زندگی‌ها را به گونه‌ای درست می‌کنند [که زن‌ها به این سو کشیده می‌شوند] خصوصاً زن‌هایی که در خانه، خانم هم هستند، یعنی کلفت دارند و دیگران کارهایشان را انجام می‌دهند.

معمولاً این زن‌ها اهل کتاب خواندن و عبادت کردن هم نیستند، در نتیجه غیر از این که با دو سه زن همسایه جمع شوند و غیبت کنند کأنه راهی برایشان باقی نمی‌ماند.

چند سال پیش روزنامه‌ای نوشته بود: در یکی از شهرهای کوچک واقع در ایالت فیلادلفیای آمریکا متوجه شدند که زن‌ها به قماربازی عادت عجیبی پیدا کرده‌اند، به طوری که قمار در تمام خانه‌ها راه پیدا کرده و زندگی‌ها را مختل کرده. به فکر چاره‌جویی افتادند و اول از همین راه‌های معمولی نصیحت و پند و اندرز از طریق رادیو و تلویزیون و موعظه کشیش‌ها در کلیساها شروع کردند، ولی هیچ اثری نکرد.

بعد یک نفر آمد و برای این قضیه طرحی ریخت به این صورت که اعلام کردند مثلاً شهرداری به یک سلسله کارهای دستی مثل بافندگی نیازمند است و هر کسی از این کارها تولید کند فلان مقدار به او پول می‌دهند و به بهترین کار هم جایزه می‌دهند.

بعد از مدتی دیدند در تمام خانه‌ها این کارهای دستی شروع شده و قمار خود به خود از بین رفت. پس آن قمار نوعی انفجار بود، یعنی گناه در اثر بیکاری راه پیدا می‌کند.

خلاصه، این مسئله که قرآن گناه را فجور و انفجار می‌نامد باز بر این اساس است که می‌خواهد بگوید خدا انسان را بر فطرت پاک و راه راست آفریده و مقتضای فطرت اولیه انسان گناه نیست و گناه در اثر عارضه پیدا می‌شود.

و ان الفجار لفی جحیم. یصلونها یوم الدین. فجار و بدکاران در دوزخی هستند که در روز جزا به آن وارد خواهند شد. و ما هم عنها بغائبین. و آنها از آن جحیم پنهان نیستند. این آیه را به دو صورت می‌شود تفسیر کرد.

یکی (که همان ظاهر آیه است) این است که فجار همین الان از جحیم پنهان نیستند، و تفسیر دیگر اینکه فجار در قیامت از جحیم پنهان نیستند و هرگز هم پنهان نخواهند شد و خالد در آنجا خواهند بود. اگر دومی را بگوییم، معنی آیه خیلی واضح و روشن است و قهراً آیه در مورد گروه خاصی از فجار است، چون همه گنهکاران در جهنم خالد نیستند.

ولی اگر بگوییم معنای اول مقصود است (که ظاهر آیه هم همین است) شامل همه فجار می‌شود و معنی آیه این است که فجار الان هم از جهنم پنهان نیستند و همین الان بدون اینکه خودشان احساس کنند، در واقع در جهنم هستند و وقتی وارد آن عالم شوند می‌فهمند که در جهنم بوده‌اند و نمی‌دانسته‌اند.

آن وقت معنی آیه مثل معنای این آیه کریمه قرآن می‌شود: و ان جهنم لمحیطه بالکافرین. می‌فرماید: «جهنم به کافران احاطه دارد» نه اینکه احاطه پیدا می‌کند.